

جایگاه عرفانی اصحاب سر اهل بیت(ع)

کرسی علمی ترویجی با عنوان «بررسی جایگاه عرفانی اصحاب سر اهل بیت(ع)» با همکاری دانشگاه ادیان و مذاهب و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد.



کرسی علمی ترویجی با عنوان «بررسی جایگاه عرفانی اصحاب سر اهل بیت(ع)» با همکاری دانشگاه ادیان و مذاهب و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، کرسی علمی ترویجی با عنوان «بررسی جایگاه عرفانی اصحاب سر اهل بیت(ع)» چهارشنبه اول آبان ماه ۱۳۹۸ با همکاری دانشگاه ادیان و مذاهب و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در سالن امام موسی صدر دانشگاه ادیان و مذاهب برگزار شد.

در این کرسی که با ارائه عیسی جعفری، نقد علمی حجت الاسلام والمسلمین رضا الهی منش و دبیر علمی حجت الاسلام گریوانی در دانشگاه ادیان و مذاهب برگزار شد، ابتدا دبیر علمی جلسه حجت الاسلام گریوانی متذکر شد که گفت وگو درباره اصحاب سر اهل بیت(ع)، متفرع بر پذیرش این مسئله است که اسلام و مذهب تشیع، عرفان دارد و اهل بیت(ع)، متولی تبیین و تثبیت آن بودند و بر این اساس، یاران عرفانی داشتند که موضوعات معارفی و حقایق عرفانی را با آن ها در میان می گذاشتند.

وی سپس این پرسش را مبنا و بهانه گفت وگو و نیز ارائه عیسی جعفری قرار داد که:

بر اساس چه دلایل و شواهدی می گوییم دین و اسلام و تشیع، دارای معارف بلند عرفانی است؟ اگر تشیع، عرفان داشته است، چرا تاکنون عرفان خودش را نشان نداده است؟ مقصود از اصحاب سر اهل بیت(ع) چیست و آیا می توان اصحاب خاص اهل بیت(ع) را به اصطلاح عارف نامید؟ راه های شناخت و تمیز میان اصحاب عرفانی اهل بیت(ع) از دیگران چیست؟

در ادامه این کرسی علمی ترویجی، عیسی جعفری ارائه خود را با این نکته آغاز کرد که یکی از راه های بررسی عرفان شیعی و اهل بیتی، بررسی جایگاه عرفانی یاران خاص عرفانی ایشان است و این نشست می تواند اثباتاً و ثبوتاً در این باره نقش ایفا کند.

وی در تعریف اصحاب سر گفت: اصحاب سر کسانی بودند که ائمه معصومین(ع) برخی معارف الهی را در سطحی فراتر از آن چه برای عموم مردم بیان می کردند، به این افراد تعلیم می نمودند و یا برخی از اخبار غیبی را برای آن ها بیان می کردند. این افراد عموماً در سطحی بالاتر از دیگران در وادی معرفت الهی قدم می زدند؛ لذا چون ائمه معصومین(ع) آن ها را مستعدتر و یا مطمئن می دیدند، اسراری را برای آن ها بیان می کردند و یا اخبار غیبی به آن ها می دادند.

وی سپس در مقام بیان ویژگی ها و معیارهای شناخت این اصحاب برآمد و گفت: نخستین معیار این بود که معارفی که اهل بیت(ع) در اختیار این دسته از افراد می گذاشتند، از دسترس دیگران به دور بود. بر همین اساس روایت نبوی است که فرمود: «لو علم ابودر ما فی قلب سلمان، لقتله» یا لکفره. ویژگی و معیار دیگر، عدم تحمل برخی معارف توسط افراد و اصحاب دیگر بود. خطبه همام یا متقین نهج البلاغه می تواند در این راستا باشد. نکته دیگر تقریر امام از مطالبه اصحاب سر است. مثلاً وقتی کمیل از امیرالمؤمنین(ع) درخواست حقیقت می کند، حضرت ابتدا استنکاف می کند. سپس وقتی با اصرار کمیل مواجه می شود، آن حدیث حقیقت را که حاوی حقایق بلندی است، انشا می فرماید.

جعفری هم چنین گفت: معیار دیگر، اظهار خود صحابی سر است. معارفی مثل دعای کمیل، مناجات شعبانیه و... به تعبیر استاد مطهری اگر در اسلام معارفی برای ارائه جز همین دعای کمیل و مناجات شعبانیه نداشتیم، همین ها برای تشیع کافی بود.

وی در پاسخ به پرسش دبیر علمی جلسه مبنی بر تصریح اسامی برخی از شخصیت هایی که به عنوان صحابی سر معروف شده اند، گفت: سلمان محمدی، خذیفه یمانی، حارثه بن مالک، اویس قرنی، عمر حُقم خزایی، کمیل، میثم تمار، رُشید هُجری، ابوحمزه ثمالی، ابوخالد کابلی، جابر جعفری، ابن خربوز، مفضل بن عمر، ضریح مُحاربی، یونس بن

در ادامه جلسه، حجت الاسلام والمسلمین رضا الهی منش از اعضای هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب به چالش ها و ابهاماتی که در مسیر فهم و تحقق عرفان اهل بیتی و نیز مقام عرفانی اصحاب سر پرداخت و گفت: آیا ما می توانیم به صرف این که اصحاب اهل بیت(ع) علم به مغیبات داشتند، آن ها را عارف بخوانیم؟ عرفان حتی در بعد کرامات خود به تعبیر قیصری در شرح فصوص، شامل حقایق دنیوی، اخروی و عرفانی است. آن چه اشاره شد که برخی اصحاب سر بر آن قادر بودند، علم غیب به برخی امور دنیوی بوده است و این کجا و مقامات عرفانی کجا؟

وی هم چنین یادآور شد: از زوایه دیگر، عرفان را در توحید و انسان کامل خلاصه می کنیم. در اظهارات اصحاب سر و نیز سیره و منش آن ها، این دو رکن عرفانی کجاست؟ من معتقدم آن چه اهل بیت(ع) نسبت به اصحاب سر داشتند، نشان از لطافت قلبی آن ها بوده و همین قدر نه بیشتر. این که آن ها غیب گویی کردند، دلیل بر عارف بودن آن ها نمی شود. به نظر من نسبت بین عارف و صحابی سر، عموم و خصوص مطلق است.

وی در پایان گفت: اساساً بعضی عرفا و متصوفه خود را به اهل بیت(ع) نمی رسانند، مثل نقشبندیه. لذا نمی توان همه را با یک عنوان طرح کرد. پرسش دیگر این است که آیا آن چه اصحاب سر داشتند، نشانه سلوک و حاصل تهذیب و تلاش خود آن ها است یا از مسیر دیگری کسب کرده اند؟ این ها همه پرسش هایی است که موضوع مقامات عرفانی ادعا شده اصحاب سر را دچار مشکل و چالش می کند و نیازمند تأمل بیشتر است.

در ادامه، عیسی جعفری در تبیین این ابهامات و اشکالات گفت: مقامات عرفانی طبقه بندی شده است. ممکن است هریک از عارفان مرتبه ای از عرفان و سلوک را طی کرده باشند و نباید عارفان را از این جهت مقایسه کرد و به صورت سلب و ایجابی یا صفر و صد برخورد کرد. ممکن است سلمان در یک درجه از مقامات عرفانی باشد و صحابی سر دیگر در مرتبه پایین تر و یا فلان عارف در درجه دیگر.

سپس حجت الاسلام گریوانی گفت: ما در متون دینی دو تعبیر متمایز داریم که حکایت از وجود عرفان خاص اهل بیتی و وحنانی دارد و آن این که گاهی می گوئیم جهاد فی سبیل الله و گاهی جهاد فی الله. جهاد نخست، همان جهاد در معرکه و جهاد اصغر است ولی جهاد دوم، همان جهاد اکبر و جهاد در راه خدا و عرفان است. هم چنین به تعبیر حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه «کان فی ما مضی اخ فی الله»... انتساب اخوت به الله یعنی برادر عرفانی نه برادر دینی مصطلح است.

وی در پایان در وجه جمع میان دو دیدگاه مطرح شده از سوی ارائه دهنده و ناقد گفت: ما باید در تبیین های خود درباره مقامات عرفانی اهل بیت(ع) سخت گیرانه برخورد کنیم؛ چنان چه دکتر جعفری در مقاله خود تعبیر به دشواریابی اصحاب سر داشتند، اما از سوی دیگر، ذومراتب بودن مقامات عرفانی خود موجب پذیرش اصل مسئله و گنجاندن صحابی سر اهل بیت(ع) در جایگاه سلوکی مخصوص به خود است.